

تشیع

ریشه‌ها و باورهای عرفانی

دکتر محمدعلی امیرمعزّی

ترجمه دکتر نورالدین الله دینی



اختصارات نام مجلات و مراجع عمومی

EIR	<i>Encyclopaedia Iranica</i> , ed. E. Yarshater (London and New York, 1982–)
EJ	<i>Eranos Jahrbuch</i>
EPHE	Ecole Pratique des Hautes Etudes (Sorbonne).
GAL	C. Brockelmann, <i>Geschichte der arabischen Literatur</i> (Weimar, 1898)
GASF	Sezgin, <i>Geschichte des arabischen Schrifttums</i> (Leiden, 1967–1986)
IC	<i>Islamic Culture</i>
IJMES	<i>International Journal of Middle East Studies</i>
IOS	<i>Israel Oriental Studies</i>
JA	<i>Journal Asiatique</i>
JAOS	<i>Journal of the American Oriental Society</i>
JESHO	<i>Journal of the Economic and Social History of the Orient</i>
JNES	<i>Journal of Near Eastern Studies</i>
JRAS	<i>Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland</i>
JSAI	<i>Jerusalem Studies in Arabic and Islam</i>
JSS	<i>Journal of Semitic Studies</i>
MIDEO	<i>Mélanges de l'Institut Dominicain d'Etudes Orientales du Caire</i>
MW	<i>Muslim World</i>
REI	<i>Revue des Etudes Islamiques</i>
RHR	<i>Revue de l'Histoire des Religions</i>
REJ	<i>Revue des Etudes juives</i>
RSO	<i>Rivista degli Studi Orientali</i>
SI	<i>Studia Islamica</i>
WZKM	<i>Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes</i>
ZA	<i>Zeitschrift für Assyriologie</i>
ZDMG	<i>Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft</i>

فهرست

۹	□ سخن مترجم
۱۱	□ پیشگفتار و سپاس
۲۳	فصل اول: مروری بر اصطلاح «دین علی» و سیری در سرچشمه‌های ایمان شیعی
۷۳	فصل دوم: شهربانو، بانوی ایران زمین و مادر امامان: میان ایران پیش از اسلام و...
۱۳۹	فصل سوم: پژوهشی درباره الوهیت امام
۱۷۳	فصل چهارم: وجود پیشینی امام
۲۰۹	فصل پنجم: امام در ملکوت: عروج و تعلیم راز
۲۳۵	فصل ششم: دانایی توانایی است: تعبیرها و نهفته‌های معجزه در تشیع امامی قدیم
۲۷۹	فصل هفتم: نکته‌هایی در باب ولایت امامی
۳۲۹	فصل هشتم: فقط مرد خدا انسان است: خداشناسی و انسان‌شناسی عرفانی بر ...
۳۶۱	فصل نهم: مجاهد تأویل: شعری از ملاصدرا درباره علی(ع)
۳۸۹	فصل دهم: ملاقات با ائمه در عرفان معاصر دوازده امامی
۴۲۵	فصل یازدهم: یادداشت‌هایی درباره دعا در شیعه امامی
۴۵۳	فصل دوازدهم: آخر زمان و بازگشت به مبدأ
۴۷۹	فصل سیزدهم: گونه‌شناسی دیدار امام غایب(ع)
۵۱۳	فصل چهاردهم: غیبتی سرشار از حضور: تأویل شیخیه از غیبت
۵۳۷	□ کتاب‌شناسی
۵۹۱	□ فهرست اعلام

سخن مترجم

بگذار ز گیتی اثری آنکه در آفاق تا چشم به هم بروزی از ما خبری نیست
(عنصر المعلى، قابوس نامه)

از آنجا که مؤلف محترم سیمایی قابل توجه از کتاب خود ارائه نموده‌اند بنده در مورد محتوای کتاب سخنی نمی‌گویم. اما باید گفت که کتاب حاضر، اثر بزرگ استاد امیرمعزی است، که پس از انتشار نخستین کتاب خود به نام *Le Guide divin dans le shi 'isme originel* راهنمای الاهی در تشیع نخستین جزو صاحب‌نظران برتر اروپایی در حوزه ایمان شیعی شناخته شده است. این اثر ارزشمند، هم از جهت محتوا و هم از نظر دامنه تحقیق، اگر نگوییم تنها کتاب، قطعاً از ارزشمندترین کتاب‌هایی است که به طور کلی در زمینه باورها و رفتارهای عرفانی شیعه قدیم از بد و پیدایش، دوره شکل‌گیری در روزگار امامان (ع) و بعد از غیبت امام دوازدهم (عج) و در برخی موارد تاریخی معاصر براساس متون روایی نخستین و همچنین پژوهش‌های معاصر می‌باشد. به همین دلیل است که ترجمة این کتاب یکی از لذت‌بخش‌ترین کارهای اینجانب در این دو سال گذشته بوده است. ترجمة کتابی سترگ از دانشمند هم‌وطنی که خود از معدود شیعه‌شناسان معاصر در جهان محسوب می‌شود آن هم توسط فردی چون حقیر، زهی سعادت است. آشنایی و ایجاد رابطه دوستانه با مؤلف محترم، سخاوتمندی ایشان در راهنمایی و کمک بی‌دریغ در رفع نکات مبهم برای مترجم و تشویق پیوسته از جمله مواردی بود که به کار با تمام سختی اش لذت خاصی بخشید.

اتمام کاری با این بزرگی بدون حمایت و کمک تعداد زیادی از دوستان، خویشان، همکاران و استادان ممکن نیست. و نه ممکن است از همه آنها در اینجا نام ببرم. از این رو لازم می‌دانم نخست از آقای دکتر امیرمعزی و مؤسسه مطالعات اسماعیلی، دکتر شفیق ساشادینا به خاطر حمایت بی‌دریغ‌شان در فرایند کار تشكر و سپاس‌گزاری کنم. از شهرام خداوردیان و همکاران

و مسئولین محترم کتابخانه دایرۀ العارف بزرگ اسلامی که با گشاده‌رویی و سخاوتمندی در دسترسی، یافتن و اجازة استفاده از منابع در مجموعه بی‌نظیر کتابخانه کمک شایان نمودند؛ معز و فاطمه الله‌دینی به ترتیب برای کمک‌شان در آماده‌سازی کتاب‌شناسی فارسی عربی و اصلاح متن چندین فصل از نسخه‌های اولیه؛ آقای محمد‌حسین ساکت ویراستار محترم و دوست بزرگوار اینجانب که با صبوری و حسن نیت مشوق بنده بودند؛ دوستان عزیزم، آقایان علی‌محمد‌غلامی که با حوصله و دقت متن نهایی را مطالعه و پیشنهادات ارزندهای ارایه کردند؛ نهایتاً مرتضی هاشمی‌پور و مدیر محترم نشر نامک که زحمت نشر این کتاب را پذیرفتند. بنده خود را مديون این عزیزان می‌دانم و از همه آنها سپاسگزارم. اگرچه اساتید و بزرگوارانی بنده را راهنمایی و کمک نموده‌اند و امیدوارم این تلاش مورد قبول دوستداران اهل بیت و عالمان و فرهیختگان واقع شود، مسئولیت تمام کاستی‌ها و نقایص به عهده حقیر می‌باشد و امید است استادان بزرگوار با راهنمایی خود بر بنده منت گذاشته تا خطاهای و نقایص را برطرف سازم. سرانجام هم‌دلی‌ها، صبوری و تشویق همسر مهربان و فرزندان دل‌بندم را که با دلداری، تحمل دوری و تنها‌یی در زندگی و به‌خصوص در انجام این کار یاور من بوده‌اند سپاسگزارم.

نورالدین الله‌دینی حصاروئیه

تهران، پائیز ۱۳۹۳

پیشگفتار و سپاس

تنها از دهه ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۵۰ش) و اگرنه تازه‌تر از دهه ۱۹۸۰ است، که مطالعات انتقادی در حوزه اسلام شیعی افزایش یافته و شمار شایان توجهی از پژوهشگران آن را زمینه اصلی پژوهش خود ساخته‌اند.^۱ آمارهای بی‌شماری که در رسانه‌ها به چاپ رسیده، بیانگر این است که در غرب، علاقه‌مندی عمومی به تشیع به بیش از چند سال برنمی‌گردد. ظاهراً وقایع چشمگیری مانند، جنگ داخلی در لبنان، انقلاب اسلامی در ایران و اخیراً جنگ در عراق (و فجایع روزانه مربوط) باعث شد که به منظور توجه به خصوصیات مذهب این جامعه اقلیت اسلام که با این وجود شامل بیش از دویست میلیون معتقد است، توجه پیگیر و مستمری بشود.^۲ باورها و رفتارهای شیعه، تا به امروز نسبتاً ناشناخته مانده است و درک ضعیفی از آنها وجود دارد. توده‌های مردم اغلب تنها شاهد تظاهرات خشک‌اندیش چشمگیر همراه با تعصبات شدید هستند: زنان با پوشش سفت و سخت، افراد حکومتگر انحصار طلب، گروه‌های تلقینی، اجرای حدود در ملاً‌عام و مراسم عزاداری خونین. این اشکال مرکب، ابزاری برای سیاسی-اجتماعی ساختن باور دینی، به خصوص در مؤلفه مردمی آن، بر این حقیقت سرپوش می‌گذارند که تشیع با چندین شاخه‌اش، دارای یکی از غنی‌ترین سنن عقلانی و معنوی در اسلام است، که تاریخ آن متشكل از زندگی و آثار هزاران متکلم، مفسر، فیلسوف، هنرمند، عالم، فقیه، عارف و ادیب است؛ و اینکه، مجموعه متون شیعی، یکی از غنی‌ترین مجموعه‌ها در جهان، عملاً متشكل از هزاران اثر است.^۳ چرا چنین غفلتی وجود دارد؟ همان‌گونه که ذکر شد، مطالعات دانشگاهی علمی که مشخصاً به تشیع اختصاص داده شده‌اند بیشتر متعلق به سال‌های اخیر است؛ علاوه بر این، تعداد متخصصان غربی این حوزه به بیش از سی پژوهشگر نمی‌رسد و به این گروه باید اندک عالمان شیعی را که با استفاده از روش تاریخی-انتقادی آثار خود را به زبان‌های اسلامی به چاپ می‌رسانند، افزود. این افراد در مقایسه با پژوهشگران متخصص

اسلام سنی، که بیش از یک و نیم قرن است به پژوهش در حوزه‌های گسترده مربوط به مطالعات عربی و اسلامی می‌پردازند، تعداد بسیار محدودی است.^۴ افزون بر این، بیشتر شیعیان دانشی سطحی یا درکی ناچیز از مذهب خود دارند. تعداد زیادی، همچنان‌که در مورد همه مذاهب است، متون اساسی مذهب خود را مطالعه نمی‌کنند و به دانشی که از مقامات مذهبی دریافت می‌کنند، تکیه دارند. مقامات مذهبی هم، چه متکلمان، رهبران مذهبی، نظریه‌پردازان سیاسی یا رهبران طریقت‌های عرفانی، باز هم همچنان‌که مورد کلی است دیدگاهی مربوط به مسائل مذهب ارائه می‌کنند که جانبدارانه و اغلب یک‌طرفه است. فراز و فرودهای تاریخی و در نتیجه رقابت‌های عقیدتی را هم باید در نظر داشت؛ پی‌آمدهای درون خود تشیع، از قرون وسطی، نه فقط شامل طرد متفکرانی می‌شد که «منحرف» خوانده می‌شدند بلکه ممیزی متونی را دربر می‌گرفت که آن‌ها را مشکل‌ساز می‌دانستند.^۵

نهایتاً اینکه تشیع خود را در منابع بنیادی به عنوان عقیده‌ای باطنی و تعلیمی تعریف می‌کند و خویش را به آسانی آشکار نمی‌کند. آنها بر این باورند که مؤمنان به سه گروه تقسیم شده‌اند: عام، خاص و خاص‌الخاص یا خاص‌الخاصه. باید پذیرفت که این طبقه‌بندی معمولاً به مسلمانان به طور عموم نیز اطلاق می‌شود آنجا که، اکثریت مسلمانان سنی را عام، شیعیان را خاص و شیعیان را خاص‌الخاص می‌نامند. به هر حال این طبقه‌بندی به درون تشیع هم اطلاق می‌شود و در این مورد، مؤمنان معمولی شیعه عام‌اند؛ عالمان ظاهری که در تعلیمات ظاهری شیعه تبحر دارند خواص‌اند؛ و عالمان باطنی، که به آسرار علوم خفیه آشنا شده‌اند، خاص‌الخاص‌اند. ماهیت عقیدتی و تعلیمی این سرّ وقتی بیشتر ربط پیدا می‌کند که اقرار کنیم این نگرش سه‌گانه به بشریت، بر حقیقت دیگری پرده می‌افکند که مطابق آن انسان‌ها سه دسته‌اند: استادِ تعلیم، شاگردِ راز‌آشنا و دشمن جاهم.^۶

در حدیثی که سلسله سند آن به چند تن از امامان شیعه بازمی‌گردد، آمده است: «امر [تعلیمات] ما پوشیده است و آن شامل ظاهری است و باطنی و باطن باطن». در چنین شرایطی است که انتظار می‌رود بخشی از آموزه‌های مذهبی، بی‌تردید آنها که اساسی‌ترین به حساب می‌آیند، به وسیله قواعد همه عقاید باطنی محافظت شوند. بنابراین، استفاده از برخی از شکردها در تشیع که نشانگر شکل‌های مختلف حوزه سرّی: حفظ اسرار و رازداری یا تقویه و کتمان که به تقویه راهبردی مؤمن در مورد وابستگی و گرایش مذهبی اش به هنگام رو به رو شدن با خطر اشاره دارد، به وی مربوط می‌شود. این رفتار معنای پنهان دیگری هم دارد، یعنی حفظ آن دسته از آموزه‌های اعتقادی که سرّی محسوب می‌شوند از «کسانی که لایق آن نیستند». فرایند فرهنگی نیز وجود دارد اینکه با عمل برخی از نویسنده‌گان به نام «تبдید العلم» – یا پراکنده‌سازی دانش که متشکل است از ریز کردن (به قسمت‌های ریز تقسیم کردن) آمده‌های علمی ...

آن در سراسر قسمت‌های مجموعه آموزه‌های گوناگون — به این نتیجه می‌رسیم که تنها عالیم ثابت‌قدم آشنا با موضوع، قادر به کشف این عناصر نامتجانس و بازسازی یک کل منسجم خواهد بود.^۷ با همه این دلایل گوناگون، پاره‌ای از آموزه‌های تشیع برخی ذاتی و برخی عرضی پوشیده و تا اندازه‌ای ناشناخته باقی مانده است.

پژوهش‌هایی که کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند، به بررسی برخی از جنبه‌های عرفانی و تاریخ تشیع، که کمتر بررسی شده‌اند، می‌پردازن و بین سال‌های ۱۹۹۲–۲۰۰۵ در مجلات تخصصی و نشریات علمی مختلف به چاپ رسیده‌اند. این پژوهش‌ها با هم یک رشته از «جنبه‌های امام‌شناسی دوازده‌امامی» را تشکیل می‌دهند (نک. کتاب‌شناسی) و چهار مقاله دیگر در اینجا ضمیمه آنهاست. این مقالات، خود به‌روز شده و در نظمی سامان‌یافته قرار گرفته‌اند و در پی آن‌اند تا انسجامی را به وجود آورند که پیشتر بازسازی آن در مورد عقاید و رفتارهای مذهبی شیعه، دشوار بود.^۸ دو بخش اول این کتاب درباره پیدایش و رشد اولیه تشیع است.

فصل اول اصطلاح «دین علی» که، باورهای عرب باستانی با مفاهیم یهودی، مسیحی و قرآنی آین خویشاوندی و خانواده مقدس را ترکیب می‌کند، نشانگر هسته اولیه آن چیزی است که بعدها قرار بود به تدریج و به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه یابد و مذهب تشیع را تشکیل دهد.^۹ فصل دوم تاریخ شاهزاده ساسانی، شهربانو—یکی از آن اسطوره‌هایی که گاهی همراه با اهمیت تاریخی است و بیش از اهمیت واقعی حقیقی — که در میان چیزهای دیگر، ابزار اولیه‌ای بود برای وحدت شیعیان و ایرانیانی که به این مذهب گرویده بودند، پس به احتمال فراوان این خود انگیزه‌ای بود در پذیرش برخی عنصرهای اعتقادی ادیان باستانی ایرانی در شیعه، به‌ویژه آیین مزدایی و دین مانی.^{۱۰}

فصل سوم تا هشتم به جنبه دوگانه شخص امام اختصاص یافته است،^{۱۱} یعنی عناصر قدسی (لاهوتی) و بشری (ناسوتی) و واسطه‌های بین این دو عنصر؛ نظرات کلامی که به ماهیت و مرتبه وجودی امام به عنوان «ولی‌الله» مربوط‌اند؛ نقش مرکزی تعلیم و رازداری و مؤمنان و دوگانگی وجودی و انسان‌شناسانه در شیعه.

در فصل سوم، الوهیت امام وجودی / کیهانی از طریق منشور سخنان تناقض‌گونه منسوب به امامان تاریخی^{۱۲} مورد تحلیل قرار گرفته است در حالی که دو فصل بعدی مربوط است به حلول تدریجی امام کیهانی در انسان و اهمیت کیهان‌زادی و کیهان‌شناسی او در ترازوی قدسی؛ پس، ظهور نقش امام به عنوان عرضه‌کننده معرفت الاهی (امام تاریخی) در این جهان و این زمان و نهایتاً، خود محتوای این معرفت (امام کیهانی).^{۱۳} با بررسی شخص «راهنما» به عنوان بصیر معجزه‌گر،^{۱۴} مرجعیت عالی دنیوی و روحانی، و وحدت متحلّ،^{۱۵} فصا‌های شش و هفت

پی‌آمدهای کلامی، عرفانی و سیاسی این امام‌شناسی را بر می‌رسند. سرانجام، فصل هشت انسان‌شناسی عرفانی را به عنوان مبنای نظریه شیعی اضداد به بررسی می‌گیرد.^{۱۶}

جنبه‌های گوناگون هرمنوتیک (تأویل) و روش اشاعه آنها از راه اعمال عرفانی شیعه محتوای فصل‌های نه تا یازده را تشکیل می‌دهد؛ امام به عنوان معلم، انتقال‌دهنده و در عین حال به عنوان هدف روش تأویل به کار رفته در مورد متون مقدس؛^{۱۷} درونی‌سازی امام (در دل نشاندن) به عنوان کمکی برای اعمال مراقبه و مشاهده؛^{۱۸} و سرانجام، جایگاه این شخصیت به عنوان نقطه واقعی تمرکز برای بجا آوردن عبودیت یا دعا.^{۱۹}

معادشناسی، شخص مُنجی آخرت، «امام زمان غایب(عج)» امام دوران ما، پی‌آمدهای غیبت او و سایر رفتارهای تأویلی مربوط به این موضوعات در سه فصل آخر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. رابطه طبیعی بین سه حوزه کیهان‌زادی، کیهان‌شناسی و معادشناسی، هم به معنای جنبه‌فردی و هم جمعی که منجر می‌شود به پیدایش این سه اصل که از ویژگی عقیده دوگانه با ماهیت تعلیمی است موضوع فصل دوازده را تشکیل می‌دهد.^{۲۰} فصل بعد به گزارش‌های ملاقات امام غایب اختصاص یافته، روایاتی که برای بیش از هزار سال ایمان و امید مؤمنان را پایدار نگه داشته است.^{۲۱} در آخر، فصل چهارده به بررسی تأویل‌های معادشناسی مکتب کلامی-عرفانی شیخیه کرمان، به خصوص عقیده مرکزی آنها «رکن رابع» اختصاص یافته است، آنچا که مؤمنان هم در ترازوی معنوی، نفوذی به اهمیت نفوذ امامان و پیامبران دارند.^{۲۲}

بنابراین، عرفان تشیع نشان می‌دهد که نسبتاً امری است پیچیده. در تنوع مظاهر شیعه، باورها و رفتارها، در تعیین نقش علم و رازداری، در دوگانگی وجودی و انسان‌شناسانه و به خصوص در دوسوگرایی شخص امام که آغاز و انجام تشیع است، یکنواختی و انسجام مشاهده می‌شود. افق نجات بخش‌شناسی واقعی، حضور راهنمای الاهی، جهان عبودیت را لبریز می‌کند. همان‌گونه که مسیحیت دین مسیح است، تشیع را ورای همه چیز می‌توان مذهب امام دانست. «توده مؤمنان»، اهل ظاهر تشنگی خود را برای ذات الاهی در این جهان با ایمان به آخرت و از طریق راهنمای الاهی فرمودی نشاند. «خاصان» که در جستجوی باطن‌اند، رستگاری خود را در معرفت و آموزه‌های امام، در تفکر بر آموزه‌هایی که متأثر از ماهیت و اقتدار امام است، در تأویل تفسیر امام از متون مقدس می‌یابند. سرانجام، خاص‌الخاص، یا جویندگان باطن باطن، با توجه به این نمونه مطلق، در جستجوی پیروی از طریقتی سرّی است که منجر به ربانی شدن انسان می‌گردد، حکیمان این «سرّ اسرار» آموزه شیعی را با واژه برازنده «تآلله» بیان کرده‌اند.^{۲۳}

*

در اینجا با خوشنودی فراوان از همه افراد و سازمان‌هایی که نشر این کتاب را ممکن ساختند قدردانی و تشکر می‌کنم. پیش از همه فلیک هفمان، نسخه ۱۱۱۰

مدرسه مطالعات عالی دانشگاه سورین و رئیس مرکز مطالعات ادیان اهل کتاب (که اخیراً به نام آزمایشگاه مطالعات ادیان توحیدی تغییر نام داده) و همچنین اعضای این گروه پژوهشی (مرکز ملی برای تحقیقات علمی مدرسه مطالعات عالی) به خاطر حمایت و کمک سخاوتمندانه شان. همچنین از مسئولان کارهای گروهی و راهبران، سردبیران و نویسندهای گذشته و حال - مجلاتی که مجموع مقالات این کتاب اولین بار در آنها به چاپ رسید: رینر برونر (Rainer Brunner)، ورنر انده (Werner Ende)، دنیس ایگل (Denis Eagle)، اریک شومان (Eric Chaumont)، تد لاسون (Todd Lawson)، جنیویو گوبیلو (Geneviève Gobillot)، کریستین ژامب (Christian Jambet)، پیر لوری (Pierre Lory)، همین طور فلوریان سی. رایتر (Florian C. Reiter)، «Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft»، مجله انجمن خاورشناسی آلمان (Jerusalem Studies in Arabic and Islam)، مارسل بازن (Marcel Bazin) و فیلیپ ژینیو (Philippe Gignoux)، ایرانیکا، پل واکر، مجله انجمن شرقی آمریکا (Journal of the American Oriental Society)، محمد ارغون، عربیکا، دانیال ژیماره، دنیس ماترینز و کریستینا شر-شاب، مجله آسیایی، سیلوی دنوا، مجله جهان اسلام و مدیترانه (Revue des Mondes Musulmans et de la Méditerranée)، جرالد هاوینگ، نشریه مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (Bulletin of the School of Oriental and African Studies) و مؤسسات انتشاراتی وردیه (لاگراس و پاریس)، پیترز (لوفاین)، اشگیت (الدرشات)، بریل (لیدن)، انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک (نیویورک) و برپولس (تورن‌هاوت) سپاسگزاری می‌کنم. از ریشار گوله (Richard Goulet)، ماری-اویل گوله-کازه (Marie-Odile Goulet-Cazé) و بار دیگر از فیلیپ هوفرمان و انتشارات به خاطر توافق‌شان برای موافقت به چاپ نسخه اصلی فرانسوی این کتاب جزو (Textes et Traditions) که دوره‌های معروفی است در این انتشاراتی معتبر تشکر می‌کنم. از فرهاد دفتری و مسئولان مؤسسه مطالعات اسماعیلی (لندن) برای لطف‌شان در چاپ نسخه انگلیسی این کتاب و تشکر ویژه از ایزابل میلر (Isabel Miller) برای ویراستاری متن انگلیسی. از کسانی که این کتاب را ترجمه نمودند نیز سپاسگزارم: دیوید استریت (David Streight) (مترجم فصل چهارم)، دیوید بکرک (David Bachrach) (مترجم فصل هشتم)، امی جی کوب (Amy Jacobs) (مترجم فصل چهاردهم) و به خصوص حافظ کرملی که با صبوری و پشتکار بقیه کتاب را ترجمه نمود. از همسرم، فتا، که در تهیه نسخه ماشین نوشته به من کمک نمود صمیمانه سپاسگزارم. در پایان از اتان کلبرگ (Etan Kohlberg) دوست قدیمی و منبع الهام‌بخش اینجا نسبت به چاپ این مجموعه را پیشنهاد نمود تشکر می‌کنم.

فصل اول

مروری بر اصطلاح «دین علی» و سیری در سرچشمه‌های ایمان شیعی

در سرزمین‌های شیعه‌نشین به‌طور کلی و در ایران به‌طور اخص نام‌های بسیاری به علی ختم می‌شوند. بعضی از این نام‌ها خیلی رایج‌اند، مانند حسین‌علی، محمد‌علی و جعفر‌علی. برخی دیگر دارای حال و هوای ادبی و حتا شاعرانه‌اند، مانند سیف‌علی، نور‌علی، محبت‌علی، مهر‌علی و ایمان‌علی. و پاره‌ای دیگر غیر منتظره‌اند و کمیاب، مانند شیر‌علی، گرگ‌علی، چراغ‌علی، و دین‌علی.

این نام اخیر، «دین‌علی»، از دیرباز کنجکاوی نگارنده را برانگیخته بود. مگر «دین‌علی» با اسلام و یا دین حضرت محمد(ص) تفاوت دارد؟ با توجه به اینکه «اسلام» و «دین‌محمد» هردو به عنوان اسم به کار می‌روند، اصطلاح «دین‌علی» را چگونه باید توضیح داد؟ تعجب بیشتر نگارنده را هنگامی می‌توانید تصور کنید، که چند سال پیش با اصطلاح «دین‌علی» در متون تاریخی اولیه برخورد کرد. این اصطلاح نمایانگر چیست؟ چگونه باید آن را تعبیر کرد؟ اگرچه این زمینه یقیناً متفاوت است – این فصل کوششی است برای یافتن پاسخ به این پرسش قدیمی. این فصل دارای پنج بخش است: (۱) اصطلاح دین‌علی در متون تاریخی؛ (۲) بی‌مانندی حضرت علی(ع)؛ (۳) مضماین مربوط به حضرت علی(ع) و علویان؛ (۴) اساس «دین‌علی» (بنیان‌های قرآنی و تاریخی پیش از اسلام)؛ (۵) واکنش‌ها و پیامدها.

۱. اصطلاح «دین علی» در متون تاریخی

عبارت «دین علی» چندین بار در تاریخ الرسل والملوک، اثر سترگ طبری (م. ۹۲۳/۳۱۰)، آمده است. اولین مورد آن در گزارشی است بلند از عطیه بن بلال درباره جنگ جمل در سال ۶۵۶/۳۶^۱. روزی در جنگ، عمرو بن یثربی ضبی رجزخوان – جنگجوی شاعر – که جزو گروه هم‌پیمانان مخالف حضرت علی (ع) بود، سه تن از مردان وی به نام‌های علباء بن هیثم سدوسی، هند بن عمرو جملی و زید بن صوحان را کشت. عمار بن یاسر، یکی از پیرترین پیروان حضرت علی (ع) ابن یثربی را از پای درآورد. گویند ابن یثربی پس از اینکه نقش زمین شد، این رَجَز را خواند:

آن که مرا نمی‌شناسد، بداند که منم ابن یثربی،
قاتل علباء و هند جملی و نیز ابن صوحان
همگی شان [پیروان] دین علی.^۲

سپس ابن یثربی را نزد حضرت علی (ع) آوردند که امان خواستن او را نپذیرفت و دستور داد او را بکشند. به گفته صاحب این گزارش، ابن یثربی، تنها اسیری بود که حضرت علی او را عفو نکرد. طبری هیچ توضیحی درباره این نبخشیدن امام ارانه نمی‌کند. خواننده می‌تواند منطقاً نتیجه‌گیری کند که علت اعدام این جنگجوی رَجَزخوان [اعتراف و] بالیدن او به کشتن سه تن از یاران باوفای علی (ع) بوده است. در همان دوره، دانشمند خبره دیگری، به نام ابن دُرید محمد بن حسن آزادی (م. ۹۳۳/۳۲۱)، این شعر را در کتاب الاشتقاد خود می‌آورد و می‌افزاید که حضرت علی (ع) برای توجیه این تنها اعدام خود چنین گفته است:

او [ابن یثربی] ادعا دارد که [سه تن از یاران مرا] کشته است، چون پیرو دین علی بودند؛
حال آنکه دین علی همان دین محمد است. (زَعَمَ أَنَّهُ قَتَلَهُمْ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَ دِينُ عَلِيٍّ دِينُ مُحَمَّدٍ).^۳

بنا به روایت ابن دُرید، دلیل قتل ابن یثربی، تفاوتی بود که او میان دین علی (ع) و دین محمد (ص) قائل شد و به طور ضمنی، علی را متهم به ادعای عقیده‌ای منحرف در مقایسه با اسلام نموده است.^۴ قسمت‌های دیگر تاریخ طبری، توضیحات کتاب الاشتقاد را در این مورد، زیر سؤال می‌برد، زیرا این عبارت توسط حامیان علی (ع) هم به کار رفته است. یکی از این موارد را در گزارشی از ابو مخنف معروف (به نقل از عبیدالله بن حُرّ جُعفی) می‌بینیم که به دستور معاویه به بازداشت و قتل تعداد زیادی